

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم «اسیر»

سودای غربت

چه سخت است در ملک اغیار بودن
غریب و دل افگار و بیمار بودن
به پا ، نیش خار حقارت خلیدن
چنان زار بودن، چنین خوار بودن
به ادبار ، بار مذلت کشیدن
به دوش همه دوستان بار بودن
ز اوج سعادت فرو افتادن
به کنج مصیبت نگونسار بودن
زهر زخم چشمی به دل تیر خوردن
به هر گوشه در آستین مار بودن
به هر محفلی خویش را کم شمردن
به هر دیده بی قدر و مقدار بودن
به دل داشتن محنت تنگدستی
به سودای عالم گرفتار بودن
سخن های پائین و بالا شنیدن
چو لرزنده شمشاد، بی بار بودن
ز هر رنگ گل بارها خار خوردن
به چشمان همسایگان خار بودن
نه آزاد گفتن ، نه دلشاد خفتن
نه در خواب بودن، نه بیدار بودن
درین ملک سودا و وسواس کم نیست
دچار چنین رنج بسیار بودن
ترا تا ببینند دیوانه خوانند
چه لازم درین ملک هشیار بودن
به بازار مکارگان پا نهادن
به سر ، تا به قعر غم و درد رفتن
به ناچار آنجا خریدار بودن
به امید روز قَرَحبار بودن

عزیزان خود مفت از دست دادن درین حسرت، آزرده و زار بودن
چنین است آزردهای غربت که بی پا و سر بر سر دار بودن
چه خوب است با این همه نامرادی بهم دوست بودن، بهم یار بودن
«اسیر» این نصیحت به یاران ضرورست
وطندار خود را مددگار بودن

(بن - المان، جنوری ۱۹۹۹ع)